

تغییر و تداوم در سیاست خارجی برزیل در قبال جمهوری اسلامی ایران

اسماعیل شفیعی^۱ - عبدالرحمان افشاری - ندا شاه نوری

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۸/۱۹

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۲/۲۹

چکیده

مقاله‌ی حاضر درصدد بررسی تغییر و تداوم در سیاست خارجی برزیل در رابطه با جمهوری اسلامی ایران است. این پژوهش به روش توصیفی - تحلیلی به واکاوی نقش برزیل در صحنه‌ی سیاسی بین‌المللی و تأثیر آن بر پرونده‌ی هسته‌ای ایران پرداخته است. پرونده هسته‌ای ایران نه تنها برای قدرت‌های بزرگ جهانی از جهات مختلف، موضوعی قابل توجه بوده است بلکه تعدادی از قدرت‌های متوسط نظام بین‌الملل نیز کوشیده‌اند با وارد شدن به آن و تلاش برای باز کردن گره‌هایش، میزان اثرگذاری خود را در عرصه‌ی جهانی افزایش دهند. یکی از این کشورها برزیل است که در بازه‌ی زمانی کوتاهی وارد موضوع هسته‌ای ایران شد و اقداماتی را در این زمینه انجام داد. این نوشتار تلاش می‌کند تا علل وارد شدن کشوری با قدرت متوسط و از یک حوزه‌ی جغرافیایی متفاوت به پرونده هسته‌ای ایران را شناسایی کند. برزیل با ارائه راهکارهای جدید در نزدیک کردن دیدگاه‌های طرفین کوشش کرد اما در شکستن اجماع کشورهای غربی و متحدان آن‌ها علیه ایران ناتوان ماند و در نهایت دنباله‌رو مسیری شد که قدرت‌های بزرگ آن را تعیین کرده بودند.

کلید واژگان: پرونده‌ی هسته‌ای، چندجانبه گرایی، سیاست خارجی، تحریم، ایران، برزیل.

۱. استادیار و عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی شهرضا esmaeilshafiee@yahoo.com

طرح مسأله

روابط برزیل و جمهوری اسلامی ایران در سال‌های اخیر نه تنها رشدی چشم‌گیر داشته که فراز و فرودهای فراوانی را نیز پشت سر گذاشته است. شاید نگاه جمهوری اسلامی ایران به آمریکای لاتین یک از پررنگ‌ترین خطوط سیاست خارجی آن را تشکیل داده باشد. رفت‌وآمدهای گسترده سران و هیأت‌های بلندپایه‌ی نمایندگی و امضای قراردادهای تفاهم‌نامه‌های گوناگون همه و همه حاکی از نگاه ویژه ایران به این منطقه دارد که اهداف اصلی آن را می‌توان اجتناب از انزوا، گسترش روابط اقتصادی، کاهش فشار تحریم‌های بین‌المللی، نفوذ در حوزه‌ی آمریکای لاتین و رقابت با ایالات متحده، اسرائیل و روسیه و شاید نزدیکی با کشورهای منطقه در مخالفت با نظام سرمایه‌داری بین‌المللی برشمرد. در این میان گرچه ونزوئلا متحد استراتژیک ایران در آمریکای جنوبی به شمار می‌رود اما این برزیل است که تأثیرگذارترین نوع روابط با ایران را در نظام بین‌الملل دارد.

آغاز روابط ایران و برزیل به سال ۱۹۰۳. م و سفر مفخم الدوله، وزیرمختار ایران در واشنگتن برمی‌گردد که با مسافرت‌هایی به آمریکای جنوبی عهدنامه مودت و تجارت با کشورهای مکزیک، برزیل، آرژانتین، اروگوئه و شیلی امضا کرد. با این حال برقراری روابط سیاسی و بازگشایی سفارت‌خانه در کشورهای مزبور به حدود ۳۰ سال بعد و دوران پهلوی بازمی‌گردد (هوشنگ مهدوی، ۱۳۵۵: ۳۱۴). به دلیل مسائل گوناگون مانند دوری مسافت، تفاوت در نگاه ایدئولوژیک، جنگ سرد و ... هرگز روابط دو کشور به اندازه امروز نزدیک نبوده است. با بر سرکار آمدن داسیلوا^۱ در برزیل و چندی پس از او احمدی‌نژاد در ایران روابط میان دو کشور به طرز گسترده‌ای توسعه یافت، به گونه‌ای که در بعد تجاری درحالی‌که حجم مبادلات ایران و برزیل در سال ۱۳۷۸. ش به ۷۷۴/۸ میلیون دلار می‌رسید، در سال ۱۳۸۸. ش از مرز ۱۰ میلیارد دلار هم گذشت.

همه چیز برای دو کشور تنها در اقتصاد خلاصه نمی شود. برزیل به همراه ترکیه با ایران در موضوع پرونده هسته ای وارد مذاکره شد. به دنبال آن رأی منفی این کشور به چهارمین قطع نامه ی شورای امنیت علیه ایران انتقاداتی را به ویژه از طرف ایالات متحده به دنبال داشت. وضعیت حقوق بشر در ایران هم توجه برزیلی ها را به خود جلب کرد و تلاش برزیل برای ممانعت از سنگسار آشتیانی و پیشنهادهای دولت برزیل برای پذیرفتن او در خاکش، روابط دو کشور را وارد بعد دیگری کرد. بحث رابطه با ایران حتی به مبارزات انتخاباتی سال ۲۰۱۰. م برزیل نیز کشیده شد و به عنوان یکی از موضوعات داغ مناظره های نامزدها مطرح بود (Camarena, 2010:12). سرانجام زمانی که روسف^۱ جانشین داسیلوا شد، اعلام کرد که «سیاست های دولت او را در قبال ایران دنبال خواهد کرد» (Janiot and Munoz, 2010:9).

پرسش آن است که علت تمایل برزیل برای توسعه ی روابط با ایران چیست؟ در این باره می توان به نظریه های مختلفی اشاره کرد: «توسعه ی روابط سیاسی بر مبنای هم سویی نگاه ایدئولوژیک، توسعه ی روابط اقتصادی برای استفاده از ایران به عنوان مکمل اقتصادی و یا در نهایت تلاش برزیل برای افزایش نقش خود در نظام بین الملل با استفاده از حضور در منطقه ی خاورمیانه و وارد شدن در پرونده هسته ای ایران». یکی دیگر از موضوعاتی که البته پرداختن به آن به دلیل محدودیت در منابع و شواهد موجود بسیار دشوار ولی وجود آن محتمل است، خواست برزیل برای تبدیل شدن از کشوری با توان هسته ای صلح آمیز به کشوری دارای فناوری سلاح اتمی است که در این مسیر نزدیکی او به ایران می تواند برای جلوگیری از ایجاد رویه های بین المللی و تبعات احتمالی آن برای برزیل و استفاده از توان و تجربه ایران تعبیر شود.

این نوشتار با کنار گذاشتن فرضیه‌ی آخر که بررسی آن در حال حاضر امکان‌پذیر نیست، به مطالعه سه فرضیه‌ی نخست خود می‌پردازد و تلاش می‌کند با استفاده از ویژگی‌های دولت داسیلوا، خصوصیات فردی و آرمان‌های حزبی‌اش به تحلیل روابط ایران و برزیل بپردازد.

پیشینه‌ی تحقیق

منابع چندانی درباره‌ی سیاست خارجی برزیل در قبال جمهوری اسلامی ایران در دست نیست. اما در این جا به سه متن که بر اساس آن‌ها می‌توان برداشتی کلی از سیاست خارجی برزیل به دست آورد، اشاره می‌شود. مقاله «برزیل، قدرتی منطقه‌ای و روابط آن با ایالات متحده» به قلم باندریا^۱ به این امر اشاره می‌کند که «از اواسط قرن ۱۹. م برزیل همواره با کشورهای صنعتی در رقابت بوده است» (Alberto & Bandeira, 2006:13) و روابط حسنه آن با ایالات متحده در نیمه‌ی نخست قرن ۲۰. م در واقع به نیازش برای بازار بزرگ ایالات متحده برای صادرات بازمی‌گردد (Alberto & Bandeira, 2006:14). روابطی پرفرازونشیب که هرگز برزیل را از سودای تبدیل شدن به قدرتی تأثیرگذار در نظام بین‌الملل باز نداشت. به‌واقع از دهه ۱۹۷۰. م است که با رشد اقتصادی برزیل دولت نظامی حاکم، آرمان تبدیل شدن به ابرقدرتی در نظام بین‌الملل را تبلیغ می‌کند (Alberto & Bandeira, 2006:17). نویسنده در ادامه به روابط دو کشور در دوران بوش می‌پردازد. دورانی که داسیلوا در کنار کوبا و ونزوئلا به محور شیطان دیگری در امریکای جنوبی بدل شدند. کشورهایی که به‌زودی می‌توانستند به سلاح هسته‌ای و موشک‌های بالستیک دست پیدا کنند. اما باگذشت زمان و آشکار شدن اهداف سیاست‌های داسیلوا روابط، اندک‌اندک رو به بهبود گذاشت و توافقی‌هایی بر سر موضوع‌هایی هم چون مقابله

با تروریسم میان دو کشور به دست آمد. این مقاله گرچه بیشتر مبنای اقتصادی دارد. اما تأثیر توان اقتصادی برزیل را در جهت‌گیری‌های سیاست خارجی‌اش به‌خوبی بازنمایی می‌کند. ابزاری که برزیل در رابطه‌اش با جمهوری اسلامی ایران نیز از آن بهره برده است. یکی از کامل‌ترین مقالاتی که به پیشینه‌ی تاریخی روابط ایران و برزیل می‌پردازد، نوشته‌ی افشاری است که به بررسی تاریخچه این موضوع در دوران پهلوی پرداخته است، روابطی که به نظر می‌رسد از آغاز بیشتر جنبه‌ی اقتصادی و فنی داشته است، به این معنا که به‌عنوان مثال علاوه بر داد و ستد تجاری، کارکنان شرکت نفت ایران نیز برای کارآموزی به این کشور فرستاده می‌شدند (افشاری، ۱۳۸۴: ۱۷۵). اولین سند رسمی همکاری میان ایران و برزیل موافقت‌نامه‌ی فرهنگی منعقد شده میان دو کشور است که در سال ۱۳۴۳. ش به امضای طرفین رسیده است (افشاری، ۱۳۸۴: ۱۸۳) و مهم‌ترین سند همکاری دو کشور موافقت‌نامه‌ی اجلاس گروه مشترک ایران و برزیل برای همکاری‌های فنی و اقتصادی در سال ۱۳۵۶. ش است که به موضوعاتی هم چون کشتیرانی، واردات و صادرات میان دو کشور می‌پردازد (افشاری، ۱۳۸۴: ۱۹۴). حجم مبادلات تجاری میان طرفین در سال ۱۳۵۲. ش بیش از ۴۰ میلیون دلار برآورد می‌شد (افشاری، ۱۳۸۴: ۲۰۱). این مقاله علیرغم داده‌های کاربردی که در اختیار قرار می‌دهد صرفاً جنبه‌ی تاریخی دارد و به تحلیل روابط و یا انگیزه‌های طرفین برای برقراری ارتباط نپرداخته است.

یکی از یادداشت‌هایی که به بررسی شباهت‌ها و تفاوت‌های برنامه هسته‌ای ایران و برزیل پرداخته به قلم قهرمان پور منتشر شده است. نویسنده معتقد است که «ناسیونالیسم و پرستیژ از جمله دلایل اجرای برنامه هسته‌ای برزیل است» (قهرمان پور، ۱۳۸۶: ۱۵). اما برنامه هسته‌ای دو کشور به‌هیچ‌وجه باهم قابل مقایسه نیست. به‌عنوان مثال برزیل تدابیر حفاظتی قانونی و اجتماعی بیشتری در مقایسه با ایران اندیشیده است، از جمله این‌که در قانون اساسی این کشور داشتن سلاح هسته‌ای ممنوع شده است و گروه‌های ضد هسته‌ای

در این کشور فعالیت زیادی دارند (قهرمان پور، ۱۳۸۶: ۲۳). نویسندگان در نهایت روابط ایران و غرب را عامل کارشکنی در پرونده هسته‌ای و بزرگ‌ترین نقطه اختلاف میان برنامه هسته‌ای دو کشور می‌داند (قهرمان پور، ۱۳۸۶: ۲۵). این نوشتار بیشتر جنبه تاریخی و مقایسه‌ای دارد و به تأثیر احتمالی برنامه هسته‌ای برزیل در وارد شدن به بحث پرونده هسته‌ای ایران در آن اشاره‌ای نشده است.

با توجه به کاستی‌های موجود در این حوزه به‌ویژه در میان مقالات فارسی، جستار پیش رو بر آن است تا سیاست خارجی برزیل در قبال جمهوری اسلامی ایران و عوامل تغییر و تداوم در آن را بررسی کند.

چهارچوب نظری

از میان فرضیه‌هایی که به انگیزه‌های برزیل برای دخالت در پرونده هسته‌ای ایران می‌پردازند، این نوشتار تمرکز خود را بر تلاش برزیل برای افزایش نقش خود در نظام بین‌الملل قرار داده است. به این معنا که سیاست خارجی این کشور در قبال جمهوری اسلامی تا چه حد بر دستیابی برزیل به این هدف تأثیر دارد تا بر اساس آن بتوان توضیحی برای تغییر یا تداوم در روابط برزیل و ایران ارائه داد. رویه‌ها و رفتارهای برزیل در نظام بین‌الملل حاکی از اعتقاد این کشور به اصل چندجانبه‌گرایی است که به نظر می‌رسد در رابطه‌اش با جمهوری اسلامی نیز کاملاً تأثیری راهبردی داشته است.

چندجانبه‌گرایی در حوزه‌های مختلف علوم اجتماعی، اقتصاد و حقوق بین‌الملل تعریف‌های متفاوتی دارد (کاکس، ۱۳۸۰: ۱۸۸). در معنای وسیع کلمه چندجانبه‌گرایی، همکاری بیش از دو دولت و هدف از طراحی آن حل مشکلات بین‌المللی و برخورد با منازعات نشأت‌گرفته از هرج و مرج واقعی یا صوری در روابط بین‌الملل است (کراز، ۱۳۸۳: ۳۵۰). ریشه‌ی چندجانبه‌گرایی در روابط بین‌الملل را به وقایع قرن ۱۹ م و کنسرت اروپا

بازمی‌گردانند اما در سال‌های اخیر به‌ویژه در مقابل رفتارهای یک‌جانبه ایالات متحده بود که این واژه به شکل گسترده‌ای در ادبیات روابط بین‌الملل به کار رفت. اگرچه در بسیاری از مواقع چندجانبه‌گرایی مترادف نظام چندقطبی به کار می‌رود اما این دو به لحاظ نظری با یک دیگر متفاوت‌اند. یکی به نحوه تقسیم قدرت در جهان اشاره دارد و دیگری از رویکرد های سیاست خارجی کشورها به شمار می‌رود. به‌عنوان مثال کاگان^۱ و نای^۲ هر دو به تقسیم‌بندی قدرت در نظام بین‌المللی به شکل تک‌قطبی و با محوریت ایالات متحده باور دارند، اما کاگان یک‌جانبه‌گرایی و نای چندجانبه‌گرایی را برای پیش‌برد اهداف ایالات متحده پیشنهاد می‌کند (Van Oudernaren, 2004:11). به نظر می‌رسد بازی گرانی هم چون برزیل و یا اتحادیه‌ی اروپا جهان را در میان دو انتخاب می‌بینند، پذیرش سرکردگی ایالات متحده و یا تقویت چندجانبه‌گرایی به هدف محدود کردن هژمون و افزایش نقش خود. این شکل از چندجانبه‌گرایی را در اصطلاح چندجانبه‌گرایی مؤثر^۳ می‌خوانند که به معنی ایجاد یک نظام چندقطبی است که بر پایه‌ی همکاری محور عمل می‌کند و تنها در سایه تقویت تمامی ساختارهای چندقطبی و رفتارهای چندجانبه محقق می‌شود و قرار بود شورای امنیت سازمان ملل متحد مدلی از آن را ارائه دهد. برای قرار گرفتن در چنین ساختاری دولت‌ها نیازمند آن هستند که در ابعاد مختلف قدرت به برتری نسبت به رقبای دست‌پدا کرده باشند. بر همین مبنا هافمن^۴ استدلال می‌کند «جهان پس از جنگ سرد هیچ شباهتی با جهان گذشته نخواهد داشت. چنین نظامی از نقطه‌نظر توزیع قدرت چندقطبی است اما بازی‌گران در آن انواع مختلفی از قدرت را دارا خواهند بود» از نظر نظامی؛ شوروی، از نظر اقتصادی و مالی؛ ژاپن و آلمان، از نظر جمعیتی؛ چین و هند و از نظر اقتصادی؛ نظامی ایالات متحده ترکیب چنین ساختاری را تشکیل می‌دهند. در

1 - Robert Kagan

2 - Joseph Nye

3 - Effective Multilateralism

4 - Stanley Hoffman

این میان قدرت اقتصادی کاملاً مفید، سودمندی قدرت نظامی کاهش یافته و قدرت جمعیتی یک مزیت به شمار می‌رود (آقایی، ۱۳۷۵: ۲۷۵).

از رویه‌ها و رفتارهای برزیل این‌طور برداشت می‌شود که این کشور با تبدیل شدن به یکی از ده قدرت برتر اقتصادی جهان، بزرگ‌ترین اقتصاد امریکای لاتین، سردادن شعار پرچم‌داری کشورهای در حال توسعه و درخواست برای کسب کرسی دائم در شورای امنیت، توان و خواست خود را برای به عهده گرفتن نقش بیشتر در نظام بین‌الملل نشان داده است. در همین راستا برزیل برای داشتن نقش بیشتر و پیروی از چندجانبه‌گرایی به گروه کشورهای بریکس پیوسته است (Azambuja, 2010:33). اما برگزیدن چندجانبه‌گرایی و عمل در چارچوب نهادها و قواعد بین‌المللی مانند هر انتخاب دیگری در سیاست خارجی هزینه‌هایی را هم در پی دارد و مانند تیغی دو لبه عمل می‌کند. زیرا به روایت برژنسکی امروز سلطه‌ی جهانی آمریکا یک واقعیت است و هیچ‌کس از جمله خود آمریکا هم نمی‌تواند آن را نفی کند و انتخاب واقعی آمریکا تنها به این مسأله مربوط می‌شود که آیا ایالات متحده باید این برتری را با کسی شریک شود، یا خیر؟ (امام‌جمعه زاده، ۱۳۷۸: ۷۵). ایکنبری^۱ نیز در توصیف شرایط پس از جنگ سرد عنوان می‌کند که «از طریق نهادهای بین‌المللی چندجانبه، ایالات متحده به خوبی می‌تواند توانمندی بالقوه رقبای خود را برای تبدیل شدن به هژمونی نوظهور تحت کنترل درآورد و از تشکیل اتحادهای مختصمه آمیز در برابر خود جلوگیری کند (امام‌جمعه زاده، ۱۳۷۸). با این حال بایستی عنوان کرد؛ از مؤلفه‌های اصلی چندجانبه‌گرایی همکاری با دیگر قدرت‌های نظام در چهارچوب قواعد بین‌المللی است زیرا به بیان اکسلراد^۲ در کتاب سیرتکامل همکاری، دولت‌ها همواره از سایه آینده نگران و در هراس بوده‌اند و در اقدامات خود این عنصر را در نظر می‌گیرند که اگر از همکاری سرباز زنند، در آینده خطر مجازات و تحریم‌های سیاسی و اقتصادی و

1 - John Eikenberry

2 - Axelrod

حتی برخوردهای نظامی وجود خواهد داشت (Axelrod, 1984:146). بنابراین برزیل نیز راهی جز این نخواهد داشت.

به‌طورکلی سیاست خارجی برزیل را در دوران جنگ سرد بر مبنای نظریه‌ی نوواقع‌گرایی و الزامات آن مانند دولت‌محوری و جبر نظام‌آنا‌رشی بین‌الملل توضیح می‌دهند. اما با پایان این دوران آن‌گونه که د‌خسوس به آن اشاره می‌کند، با گسترش دموکراسی سیاسی در برزیل و جهانی‌شدن اقتصاد و افزایش قدرت برزیل در میان کشورهای منطقه، رفته‌رفته جهت‌گیری هم‌سو با ایالات‌متحده در سیاست خارجی کم‌رنگ‌تر شد و در مقابل نقش نیروهای اجتماعی و نخبگان افزایش یافت تا جایی که امروز بایستی از سازه‌انگاری، پسا‌ساختارگرایی و پسااستعمارگرایی در تکمیل نظریات سنتی برای توضیح سیاست خارجی برزیل بهره‌جست (de Jesus, 2010: 423-421). اما این نوشتار از چندجانبه‌گرایی به‌عنوان بنیان سیاست خارجی برزیل در قبال جمهوری اسلامی ایران و به‌طورکلی روی‌کرد مسلط در سیاست خارجی دوران داسیلوا استفاده می‌کند تا نشان دهد چگونه برزیل بر مبنای این روی‌کرد و از طریق سیاست خارجی خود تلاش می‌کند تا نقش و جایگاه خود در نظام بین‌الملل را ارتقا بخشد. در ادامه فرضیه‌های پیش‌رو در این‌باره بررسی می‌شود. نگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

رتال جامع علوم انسانی

الف. هم‌سویی ایدئولوژیک

آیا توسعه‌ی روابط دولت داسیلوا با ایران را می‌توان بر مبنای هم‌سویی ایدئولوژیک این دو کشور باهم توضیح داد؟ داسیلوا را بیش از آن‌که به‌عنوان شخصیتی ایدئولوژیک بشناسند، به‌عنوان فردی پراگماتیست^۱ معرفی و ریشه‌های این روی‌کرد او را هم در تاریخچه زندگی شخصی و سیاسی‌اش جستجو می‌کنند. داسیلوا فرزند خانواده‌ای بسیار

فقیر و از پدر و مادری بی‌سواد بود که در کودکی بادم‌زمینی می‌فروخت، کفش واکس می‌زد و تنها در سن ده‌سالگی توانست به مدرسه برود. او تا مدت‌ها در شهرکی صنعتی نزدیک سائوپائولو^۱ کار می‌کرد و به‌هیچ‌وجه درگیر فعالیت‌های سیاسی نبود اما پس از مرگ همسرش بر اثر هپاتیت در سال ۱۹۶۹. م به دنیای سیاست وارد شد و در دهه ۱۹۸۰. م حزب کارگران برزیل را با جمع کردن افرادی از کلیساها، روشنفکران و اتحادیه‌های تجاری بنیان نهاد و در چهارمین تلاش خود برای کسب پست ریاست جمهوری برزیل سرانجام در سال ۲۰۰۲. م موفق شد و یک‌بار دیگر در انتخابات سال ۲۰۰۶. م توانست مدت ریاست جمهوری خود را تمدید کند (da Silva, 2010:10). باوجوداین که وی در آغاز یک سوسیالیست و از حامیان سیاست‌های ضد امپریالیستی به شمار می‌رفت. اما با رسیدن به قدرت به سرعت در سیاست داخلی و خارجی‌اش به یک پراگماتیست بدل شد. میانه‌روها و چهره‌هایی از جناح راست را به کابینه‌اش وارد کرد. سیاست‌های اقتصادی نئولیبرال را به کار بست و به همکاری با صاحبان سرمایه پرداخت. در سیاست خارجی هم از کاسترو^۲ و چاوز^۳ علی‌رغم اشتراک نظر در شعار ضد امپریالیسم فاصله گرفت (Fleischman, 2009:12). داسیلوا باوجود آن‌که به دنبال نقش مستقل در نظام بین‌الملل بود برای ایالات متحده نه‌تنها چالشی ایجاد نکرد که موافقت‌نامه‌های دوجانبه دفاعی نیز امضا کرد. برزیل در دوران داسیلوا فلسطین را به رسمیت شناخت و درعین حال روابطش با اسرائیل را حفظ کرد و گسترش داد (Kampeas, 2010:15). درواقع شعار اصلی داسیلوا مقابله با فقر و گرسنگی در کشورش بود که به نظر می‌رسد سیاست‌هایش در این مسیر کاملاً به ثمر نشست است.

1 - Sao Paulo

2 - Fidel Castro

3 - Hugo Chavez

با این توضیحات به نظر می‌رسد هیچ‌گونه هم‌سویی ایدئولوژیکی میان دولت داسیلوا و دولت احمدی‌نژاد نمی‌توان یافت و در واقع ایدئولوژی محوریت سیاست برزیل چه داخلی و یا خارجی را تشکیل نمی‌دهد و پاسخ را بایستی در جای دیگری جست.

ب. توسعه‌ی روابط اقتصادی

در میان انگیزه‌های برزیل برای توسعه‌ی روابط با جمهوری اسلامی ایران به‌هیچ‌عنوان نمی‌توان از اقتصاد چشم‌پوشی کرد. اقتصاد برزیل از دهه ۱۹۵۰ تا ۱۹۹۰ م بر توسعه‌ی صنعتی متمرکز بود. بخش گسترده‌ای از اقتصاد برزیل شامل شرکت‌های نفتی، معادن، ارتباطات، شرکت‌های هواپیمایی و از همه مهم‌تر شرکت‌های بزرگ استخراج نفت همه و همه در اختیار دولتی بود که درهای اقتصادی‌اش را به روی دنیای خارج بسته و تمرکز خود را بر بازار داخلی قرار داده بود و سرمایه‌گذاری‌های خارجی و خصوصی را خود هدایت می‌کرد (Rabelo and Vansconcelos, 2002:322). در تمام این دوران این تنها بحران نفتی ۱۹۷۰ م بود که به‌عنوان عاملی خارجی بر اقتصاد برزیل اثر مستقیم گذاشت و این کشور را برای افزایش صادرات نفت ترغیب کرد. در آن دوران برزیل از واردکنندگان بزرگ نفت به شمار می‌رفت و تلاش کرد تا با استفاده از افزایش صادرات نفت خود به جبران خسارت ناشی از افزایش قیمت نفت بپردازد (Rabelo and Vansconcelos, 2002:325). اما با آغاز دهه ۹۰ م رفته‌رفته با تغییر شرایط سیاسی در داخل برزیل و همین‌طور در نظام بین‌الملل سیاست‌های اقتصادی آن نیز تغییر کرد. درهای برزیل به روی کالاهای وارداتی باز شد و تغییرات گسترده ساختاری رخ داد. در سال ۱۹۹۴ م برنامه‌ی ثبات اقتصادی برزیل به‌منظور کاهش تورم و مداخله دولت در بخش‌های اقتصادی و در مقابل توسعه خصوصی‌سازی آغاز شد و دولت برزیل از فعال‌ترین بازی‌گر اقتصادی کشور به یک سازمان دهنده دگرگون شد (Maag, 2005:14). اما رونق چشم‌گیر اقتصاد

برزیل در سال‌های آغازین ۲۰۰۰ م مرهون روابط این کشور با چین است. برزیل به بازار وسیع چین برای صادرات سویا، سنگ‌آهن و فولاد دست پیدا کرد و به این ترتیب چین پس از اتحادیه‌ی اروپا و ایالات متحده به سومین شریک تجاری برزیل تبدیل شد (Maag, 2005:7).

۱- سیاست‌های اقتصادی دولت لولا داسیلوا: داسیلوا در حالی به قدرت رسید که اولویت‌های دولت وی جنگ علیه فقر، بهبود سطوح آموزش، تساوی در خدمات اجتماعی، رشد سریع اقتصادی، سیاست مالی منضبط، کاهش تورم، احترام به قراردادهای خارجی، اشتغال جوانان، ریشه‌کنی گرسنگی و بزرگ‌ترین هدف او رسیدن ملتش به رفاه بود (اعلمی، ۱۳۸۹: ۲۳) اما او به خوبی می‌دانست تنها راه رسیدن به این اهداف گسترش روابط برزیل با دنیای خارج است. این چنین بود که توسعه روابط جنوب- جنوب و شمال- جنوب در دوران لولا بسیار مورد توجه قرار گرفت. در حوزه‌ی منطقه‌ای برزیل به دنبال تقویت مرکوسور^۱ و به دست گرفتن رهبری سیاسی آن برآمد و از طریق این سازمان روابط خود با دیگر کشورهای در حال توسعه گسترش داد. مرکوسور در سال ۲۰۰۴ م اولین توافق‌نامه تجاری‌اش با یک کشور آسیایی را با دولت هند امضا کرد. از آن پس برزیل (از طریق مرکوسور)، هند و آفریقای جنوبی به دنبال هدایت همکاری‌های جنوب - جنوب برآمد (Maag, 2005:16). در سازمان تجارت جهانی برزیل، چین و آفریقای جنوبی از جمله بازی گرانی هستند که گروه G20 را تأسیس کردند که از طریق آن جمعی از کشورهای در حال توسعه به دنبال مشارکت بیشتر در تدوین قواعد سازمان جهانی تجارت هستند (Polanski and de Santoz, 2008:6).

در محور اقتصادی جنوب- شمال برزیل هم‌چنین روابط گسترده‌ی تجاری با اتحادیه‌ی اروپا و ایالات متحده دارد. صادرات برزیل به ایالات متحده در سال ۲۰۱۰ م ارزشی بیش از ۲۱ میلیارد دلار داشته است و واردات آن به ۳۲ میلیارد دلار می‌رسد. صادرات برزیل به اتحادیه‌ی اروپا نیز رقمی بیش از ۲۰ میلیارد دلار را شامل می‌شود. اما در دوران داسیلوا روابط اقتصادی برزیل و ایران نیز جهش چشم‌گیری داشته است و پرسش اینجاست که آیا این روابط اقتصادی می‌تواند عامل تداوم و یا تغییر در سیاست خارجی برزیل در قبال جمهوری اسلامی ایران باشد؟

۲- روابط اقتصادی برزیل با جمهوری اسلامی ایران: برزیل در دوران داسیلوا سیاست اقتصادی خود را بر تنوع محصولات صادراتی و یافتن شرکای تجاری غیر سنتی در میان کشورهای در حال توسعه قرارداد و بر همین مبنا به توسعه تجارت با جمهوری اسلامی ایران پرداخت. در حالی که در میان کشورهای امریکای لاتین و نزوئلا بزرگ‌ترین بازار محصولات ایران به شمار می‌رود. برزیل بزرگ‌ترین صادرکننده به ایران است. بررسی روابط تجاری و اقتصادی ایران و برزیل نشان می‌دهد که سطح روابط دو کشور از حدود ۹۰۰ میلیون دلار در سال ۱۳۸۰ ش به ۱/۲ میلیارد دلار در سال ۱۳۸۸ ش رسیده که البته تراز تجاری دو کشور در تمامی این سال‌ها، همواره به نفع برزیلی‌ها بوده است (حاجی‌زاده، ۱۳۸۹: ۲۴). طبق اطلاعات موجود، مهم‌ترین کالاهای صادراتی ایران در سال‌های اخیر به بازار برزیل را کالاهایی سنتی نظیر فرش، کشمش، پسته و درنهایت چرم تشکیل داده‌اند، این در حالی است که برزیل تنها در بخش محصولات کشاورزی، با تأمین ۲۱ درصد از واردات محصولات غذایی ایران، جایگاه خاصی در تأمین نیازهای وارداتی بخش کشاورزی کشور را در اختیار دارد. روغن خام، دانه‌ی ذرت، دانه‌ی سویا، شکر، روغن آفتاب‌گردان و

گوشت، عمده محصولات کشاورزی و غذایی وارداتی از برزیل به ایران هستند (حاجی‌زاده، ۱۳۸۹:۳۲).

تمامی این اعداد و ارقام بیان‌گر یک نکته‌اند؛ تجارت برزیل با ایران تجارتی استراتژیک نیست. نه واردات این کشور از ایران و نه کالاهای صادراتی آن در زمره‌ی محصولات استراتژیک قرار نمی‌گیرند و ایران تنها بازاری برای محصولات کشاورزی برزیل به شمار می‌رود که البته در مقایسه با دیگر شرکای تجاری این کشور مانند اتحادیه‌ی اروپا، ایالات‌متحده، چین، آفریقای جنوبی و هند بازار بسیار کوچکی را هم می‌سازد. اگرچه در دوران داسیلوا امیدهایی برای افزایش مبادلات برزیل و ایران تا مرز ۱۰ میلیارد دلار هم وجود داشت که برآورد می‌شود در آن شرایط هم تراز برزیل به طرز چشم‌گیری در این معادله مثبت می‌بود اما این رقم هرگز محقق نشد.

سیاست‌های اقتصادی برزیل تصویر کاملی از روی کرد چندجانبه‌گرایی آن ارائه می‌دهد. این کشور هم‌زمان به دنبال گسترش روابط خود با کشورهای جنوب است و این هدف را از طریق مرکوسور دنبال می‌کند و درعین حال بزرگ‌ترین شرکای تجاری‌اش را اتحادیه‌ی اروپا و ایالات‌متحده تشکیل می‌دهند. عمل در چهارچوب سازمان‌های بین‌المللی و استفاده از ظرفیت آن‌ها فرصتی را برای برزیل فراهم می‌کند تا در میان قدرت‌های اقتصادی جهان جایگاه مناسبی برای خود پیدا کند و داعیه‌ی رهبری کشورهای درحال توسعه را داشته باشد.

گرچه نمی‌توان ظرفیت بازار ایران برای محصولات برزیل را نادیده گرفت اما با توجه به واقعیت‌های موجود به‌سختی می‌توان ادعا کرد اقتصاد کوچک ایران می‌تواند برزیل را در رسیدن به اهداف اقتصادی‌اش یاری کند. اگر بپذیریم روی کرد چندجانبه‌گرایی بهترین ابزار برزیل برای دستیابی به منافعش در نظام بین‌الملل است و یادآوری کنیم چندجانبه‌گرایی به معنای عمل در چهارچوب نهادها و قواعد بین‌المللی است، آن‌وقت

پاسخ به این پرسش که برزیل در انتخاب میان ایران تحت تحریم اقتصادی و یا منافع عضویت در سازمان جهانی تجارت کدام را بر خواهد گزید، چندان مشکل نخواهد بود. اما به این ترتیب پرسش اصلی این مقاله هم چنان برجای می ماند که اگر اقتصاد به تنهایی انگیزه‌ی توسعه روابط برزیل با جمهوری اسلامی نیست پس چه عاملی توجه برزیل را تا آن جایی نسبت به ایران جلب کرده است که این کشور به عنوان میانجی وارد بحث پرونده هسته‌ای ایران شد؟

ج. افزایش نقش برزیل در نظام بین الملل

تلاش برزیل برای افزایش نقش خود در نظام بین الملل آخرین فرضیه‌ای است که این نوشتار در پاسخ به پرسش اصلی خود بدان می پردازد. آن چه ریکوپرو^۱، دیپلمات بازنشسته و دبیر کل اسبق اجلاس تجارت و توسعه‌ی سازمان ملل متحد نیز در تحلیل سیاست خارجی برزیل در قبال جمهوری اسلامی ایران بدان اشاره کرده است: «دلیل اصلی آن است که برزیل می خواهد مورد شناسایی قرار گیرد، در گفتگوهای تجاری و یا مسائل مرتبط با آب و هوا برزیل همواره خواسته تا بازی گری دیپلماتیک در سطح جهان باشد و ایران اولین مثال حقیقی است که در آن خواست مشابه برزیل برای تبدیل شدن به یک بازی گر سیاسی جهانی به خوبی مشخص است» (Downie, 2010:15). به منظور مطالعه این فرضیه باید سیاست خارجی برزیل در قبال جمهوری اسلامی ایران بررسی شود که به نظر می رسد در دوران داسیلوا دو رخداد مهم آن را برجسته می کند: نخست میانجی گری برزیل در پرونده هسته‌ای ایران و به دنبال آن واکنش برزیل به قطع نامه‌ی ۱۹۲۹. م شورای امنیت.

۱- **برزیل و توافق نامه مبادله‌ی سوخت هسته‌ای تهران:** حدود یک سال پیش از آن‌که برزیل و ترکیه به مذاکره با جمهوری اسلامی ایران درباره‌ی مبادله سوخت رآکتور تحقیقاتی تهران بپردازند، اوپاما^۱ در دورانی که هنوز به تعامل با ایران امید داشت، در دیدار با داسیلوا در طی اجلاس G8+5 در ایتالیا عدم مخالفت خود با مذاکرات هسته‌ای ایران و برزیل را اعلام کرد و از برزیل خواست از وزنه‌ی اقتصادی‌اش درباره ایران استفاده و به رهبری ایران اعلام کند که باید از مدل برزیل پیروی کند (Rossi, 2009:25). اما مدل برزیل در برنامه‌ی هسته‌ای چه بود؟ تأکید بر استفاده‌ی صلح‌آمیز از انرژی هسته‌ای در قانون اساسی، ماده ۲۳ قانون اساسی برزیل مقرر می‌دارد «هرگونه فعالیت هسته‌ای درون مرزهای ملی تنها برای مقاصد صلح‌آمیز مجاز خواهد بود» و یا امضای توافق‌نامه منطقه‌ی عاری از سلاح‌های هسته‌ای با همسایگان و درنهایت تعامل با نظام بین‌الملل.

سرانجام در ۱۷ می سال ۲۰۱۰ (۲۷ اردیبهشت ۱۳۸۹) و در حاشیه اجلاس سران کشورهای G15 در تهران بیانیه‌ی مشترک سه کشور ایران، ترکیه و برزیل انتشار یافت که حاکی از توافق سه کشور بر مبادله سوخت هسته‌ای ایران بود که بر اساس بندهای ۵ و ۶ این بیانیه به شکل زیر صورت می‌پذیرفت؛ در بند ۵ این موافقت‌نامه آمده است: بر اساس موارد یادشده، در راستای تسهیل همکاری هسته‌ای ذکرشده در بالا، جمهوری اسلامی ایران بر امانت‌گذاری ۱۲۰۰ کیلوگرم اورانیوم کم غنی‌شده (LEU)^۲ در ترکیه موافقت می‌کند. این مواد LEU در مالکیت ایران در ترکیه قرار خواهد داشت. ایران و آژانس امکان نظارت بر نگهداری ایمن از این مواد LEU را در ترکیه دارند و به دنبال آن در بند ۶، ایران موافقت خود را با موارد بالا به آژانس ظرف هفت روز پس‌از این بیانیه اعلام می‌کند. متناسب با دریافت پاسخ مثبت گروه وین (آمریکا، روسیه، فرانسه و آژانس) جزییات بیشتر تبادل سوخت از طریق توافق‌نامه کتبی و ترتیبات مربوط بین ایران و گروه وین که به‌طور

1 - Barack Obama

2 - Low Enriched Uranium

مشخص خود را متعهد به تحویل ۱۲۰۰ کیلوگرم سوخت لازم برای راکتور تحقیقاتی تهران کرده‌اند، به تفصیل بیان می‌شود.

اقدام برزیل برای وارد شدن در مذاکرات هسته‌ای با ایران واکنش‌های متفاوتی را در بین تحلیل‌گران روابط بین‌الملل برانگیخت تا جایی که برخی اعلام کردند داسیلوا با این حرکت سیاسی آن چه را که به‌سختی در نظام بین‌الملل به دست آورده بود، به‌یک‌باره از دست داد و این کار به‌جای ارتقای جایگاه برزیل در نظام بین‌الملل بیشتر به ایران مشروعیت بخشید (Raveendran, 2010:17). یکی از مقامات رسمی ایالات متحده عنوان کرد: «این بازی بزرگ برزیل است. اگر در آن شکست بخورد، شورای امنیت برای دور تازه‌ی تحریم‌ها اقدام می‌کند و از برزیل انتظار دارد، در کنار آن‌ها باشد.» (Barrinuevo and Thomson, 2010:9) کلیتون^۱ در آستانه‌ی این مذاکرات نارضایتی خود را از اقدام برزیل اعلام کرد و گفت: «ایالات متحده تمایل دارد تا با قدرت‌های در حال ظهور امریکای لاتین روابط مطلوبی داشته باشد» (Freidman, 2010:13). به‌این ترتیب هشدار داد که روابط برزیل و ایالات متحده در معرض خطر است. اما پروفیسور استوانکل^۲ از دانشگاه سائوپائولو معتقد است: «برای داسیلوا ایران آن‌قدرها هم مهم نیست او به دنبال مطرح کردن بحث گسترده‌تری است. این که حکم رانی جهانی ناعادلانه است و قدرت‌های در حال توسعه‌ی ظهور باید صدای رساتری در آن داشته باشند.» (Downie, 2010:11) در واقع روی کرد داسیلوا برای پیگیری گفتگو با ایران تنها به این توافق‌نامه محدود نمی‌شد. در سال ۲۰۰۹ م و در طی دیدار احمدی‌نژاد از برزیل داسیلوا بر حق ایران برای دستیابی به فناوری صلح‌آمیز هسته‌ای اشاره و بلافاصله پس از آن اضافه کرد «ایران بایستی به تعهدات بین‌المللی‌اش وفادار باشد». چندی بعد در دیدار با مرکل^۳ وی هم چنان بر موضع‌گیری سستی خود تأکید و عنوان کرد «تحریم‌های یک‌جانبه آن‌گونه که ایالات متحده آن‌ها را دنبال

1 - Hillary Clinton

2 - Oliver Astvnl

3 - Angela Merkel

می‌کند، هیچ نتیجه‌ای نخواهد داشت و بایستی به دنبال گفتگو با ایران بود». مرکل در مقابل اظهار کرد: «او صبرش را در برابر ایران پس از ۴ سال مذاکره بی‌ثمر از دست داده است ولی برزیل خواستار خویشتن‌داری بیشتر در مذاکره با ایران بود» (Rossi, 2009:15). اوج مخالفت برزیل با تحریم ایران را می‌توان در رأی منفی این کشور به قطع‌نامه ۱۹۲۹ شورای امنیت مشاهده کرد. بسیاری از کشورها برزیل را به شکستن اجماع بین‌المللی علیه ایران محکوم کردند و سیاست‌های داسیلوا را زیر پرسش بردند اما انگیزه برزیل از این اقدام چه بود؟

۲- برزیل و قطع‌نامه ۱۹۲۹ شورای امنیت: برزیل به همراه ترکیه به‌عنوان یکی از اعضای غیر دائم شورای امنیت به این قطع‌نامه برای آغاز دور چهارم تحریم‌ها علیه ایران رأی منفی داد. اما دو ماه بعد با این استدلال که به‌طور سنتی همه‌ی مصوبات شورای امنیت را به اجرا می‌گذارد حتی اگر با آن موافق نباشد، آن را امضا کرد و به جمع کشورهای تحریم‌کننده‌ی ایران پیوست.

در این جا به دلایل برزیل برای مخالفت با تحریم ایران اشاره می‌شود:

۱- شباهت برنامه‌ی هسته‌ای برزیل با ایران: برنامه‌ی هسته‌ای برزیل در دهه ۱۹۷۰ م با عقد قراردادی با آلمان آغاز شد. آلمان توافق کرد که ۸ نیروگاه برق هسته‌ای در برزیل احداث کند و فناوری غنی‌سازی و باز فرآوری را در اختیار این کشور بگذارد اما این قرارداد با مخالفت آمریکا روبه‌رو شد و سرانجام آلمان از این طرح کنار کشید. همین امر نظامیان حاکم بر برزیل را به سمت روی آوردن به یک برنامه هسته‌ای موازی و محرمانه سوق داد که سال‌ها ادامه داشت. در سال ۱۹۸۴ م دولت نظامی در برزیل برکنار شد و با روی کار آمدن یک دولت غیرنظامی، روند دموکراتیک‌سازی در این کشور آغاز شد. در

۱۹۹۵. م برزیل به امضاکنندگان پیمان منع تکثیر سلاح‌های هسته‌ای پیوست و رسماً اعلام کرد تلاش برای دستیابی به بمب هسته‌ای را دیگر در دستور کار ندارد (جزئیات چهارمین قطع نامه تحریمی علیه ایران، ۱۳۹۳). بر اساس شباهت‌های این مسیر تاریخی است که یکی از مسئولین بلندپایه برزیلی اعلام کرده بود: «برزیل زمانی که به ایران نگاه می‌کند نه تنها این کشور که خودش را می‌بیند» (Spektor, 2010:21)؛

۲- رهبری کشورهای در حال توسعه: برزیل چه در سیاست‌های منطقه‌ای و یا فرا منطقه‌ای‌اش به دنبال رهبری کشورهای در حال توسعه است که در نهایت به هدف بزرگ آن برای در اختیار گرفتن کرسی دائم شورای امنیت منتج می‌شود (Gill, 2008:13). این کشور هم‌زمان از برنامه هسته‌ای صلح‌آمیز ایران حمایت می‌کند و در عین حال منتقد استانداردهای دوگانه‌ی رژیم منع تکثیر سلاح‌های هسته‌ای در قبال اسرائیل است و گرچه از سال ۱۹۴۵. م به این سو هرگز قدرت ایالات متحده را به چالش نکشیده اما همواره منتقد سیاست‌های این کشور به دلیل استفاده ابزاری از رژیم‌های بین‌المللی برای اعمال محدودیت بر کشورهای ضعیف‌تر بوده است (Spektor, 2010:9).

۳- ناکارآمدی تحریم‌ها: مقامات برزیل در موقعیت‌های متفاوت همواره بی‌ثمر بودن تحریم علیه ایران را خاطر نشان و عنوان کرده‌اند این تحریم‌ها تنها فشار را بر مردم ایران افزایش می‌دهد و به تندتر شدن موضع‌گیری ایران می‌انجامد. در عین حال تجربه عراق نشان داده است که وارد شدن در مسیر تحریم‌های شدید و یک‌جانبه نه تنها راه گشا نیست که نتیجه‌ای جز مداخله‌ی نظامی نخواهد داشت. از همین روست که برزیل همواره بر گفتگو با ایران تأکید می‌کند.

غلبه‌ی روی کرد چندجانبه‌گرایی در سیاست خارجی برزیل را به‌خوبی می‌توان چه در وارد شدن این کشور به مذاکره با ایران در موضوع هسته‌ای، رأی منفی این کشور به قطع‌نامه ۱۹۲۹ شورای امنیت و حتی چندی بعد امضای این قطع‌نامه به‌خوبی مشاهده کرد اما قبل از پرداختن به این موضوع شایسته است به موضوعات مرتبط با حقوق بشر میان برزیل و ایران اشاره شود که در آخرین ماه‌های ریاست جمهوری داسیلوا نه تنها به بحث داغ انتخاباتی در این کشور بدل شد که بر روابط برزیل و ایران تأثر گذار بود.

۳- برزیل و حقوق بشر در ایران: برزیل نسبت به دو موضوع حقوق بشری در ایران واکنش نشان داده است: نخست وقایع پس از انتخابات سال ۲۰۰۹. م در ایران بود. داسیلوا در آغاز به کوچک‌نمایی این حوادث پرداخت و آن‌ها را به درگیری‌های تماشاگران فوتبال تشبیه کرد اما چندی بعد و در دیداری که با سارکوزی^۱ داشت علناً از آن‌ها انتقاد کرد (Rossi, 2009:11)؛ موضوع دوم پرونده‌ی آشتیانی بود که به یکی از سوژه‌های داغ مناظرات انتخاباتی در برزیل تبدیل شد. داسیلوا در عین ارائه پیشنهاد پناهندگی برای آشتیانی به دولت ایران اعلام کرد: «هردولتی قوانین، قانون اساسی و مذهب خود را دارد که ما باید بیاموزیم به آن احترام بگذاریم چه با آن موافق باشیم چه نباشیم.»

درنهایت و با کنار هم قرار دادن قطعات این پازل می‌توان دلایل تغییر و تداوم در سیاست خارجی برزیل در قبال جمهوری اسلامی ایران پی برد. برزیل، غول اقتصادی امریکای لاتین به دنبال جایگاه سیاسی متناسب با توان اقتصادی‌اش در نظام بین‌الملل است و سال‌هاست که کرسی دائم شورای امنیت را نشانه رفته است. بر مبنای روی کرد چندجانبه‌گرایی این کشور هدف خود را از طریق نهادهای بین‌المللی مانند سازمان ملل متحد و یا سازمان تجارت جهانی دنبال می‌کند تا به همراه دیگر قدرت‌های نظام با محدود کردن هژمون، سهم قدرت خود را افزایش دهد. در این مسیر ایران فرصتی بود تا برزیل

اولین سیاه‌مشق‌های یک بازی گر سیاسی مستقل در نظام بین‌الملل را تمرین کند. برزیل زمانی که وارد پرونده هسته‌ای ایران شد، نشان داد که سیاست‌هایی مستقل از ایالات متحده و نه لزوماً در برابر او را اتخاذ کرده است. با ایستادن در کنار ایران و تأکید بر حق ایران برای دستیابی به فناوری صلح‌آمیز هسته‌ای و رأی منفی به قطع‌نامه ۱۹۲۹ جایگاه خود را به‌عنوان نماینده کشورهای در حال توسعه تحکیم کرد. اگر این توافق‌نامه به نتیجه می‌رسید برزیل یکی از دشوارترین معماهای جهان سیاست را حل کرده بود و حال نیز کسی آن را برای به سرانجام نرسیدنش مواخذه نمی‌کند. واکنش نشان دادن به موارد نقض حقوق بشر در ایران نیز در راستای منافع ملی و اهداف برزیل و نه پایبندی به اخلاقیات بوده است. اگر هدف برزیل را افزایش نقش و جایگاه او در نظام بین‌الملل قرار دهیم و اقتصاد را ابزار او برای رسیدن به این هدف و چندجانبه‌گرایی را راهبرد سیاست خارجی‌اش، آن‌وقت جزر و مدهای روابط برزیل با جمهوری اسلامی ایران به‌خوبی قابل توضیح خواهد بود.

نتیجه‌گیری

روابط برزیل و جمهوری اسلامی ایران در دوران داسیلوا دوران پرفرازونشیبی را پشت سر گذاشت. برزیل در دوره‌ی زمانی کوتاه به‌عنوان میانجی وارد پرونده هسته‌ای شد. این کشور با اتخاذ سیاست چندجانبه‌گرایی و بهبود روابط با کشورهای درحال توسعه به دنبال نقش بیشتری در نظام بین‌الملل بوده است. وارد شدن برزیل به پرونده هسته‌ای ایران در ظاهر تلاشی برای حل یک پرونده بین‌المللی و در اصل انجام یک تمرین سیاسی از سوی دولتی بود که در دسته‌بندی قدرت‌های متوسط قرار می‌گیرد و تلاش دارد با توجه به رشد اقتصادی چشم‌گیر و افزایش عوامل قدرت خود، در صورت امکان یکی از کرسی‌های دائم شورای امنیت سازمان ملل متحد را کسب کند. عضویت و فعالیت برزیل در گروه کشورهای بریکس نیز در این راستا است. یافته‌های تحقیق حاکی از آن است که تلاش برزیل برای ارائه راه‌کارهای جدید و نزدیک کردن نظرات گروه ۱+۵ و جمهوری اسلامی ایران در پرونده هسته‌ای با موفقیت همراه نشد و تلاش آن کشور برای شکستن اجماع کشورهای غربی و متحدان آن‌ها علیه ایران منجر به نتیجه نشد و درنهایت برزیل دنباله‌رو مسیری شد که قدرت‌های بزرگ آن را تعیین کرده بودند. فرازوفرودهای سیاست خارجی برزیل در قبال ایران حاکی از آن است که این کشور به‌هیچ‌وجه حاضر به پرداختن هزینه برای رابطه با ایران نیست. همان‌طور که مشاهده شد، جانشین داسیلوا دیگر آن سیاست را دنبال نکرد. در حوزه‌ی اقتصادی نیز برزیل نشان داده است که می‌تواند ایران را به نفع سود سرشاری که از تجارت با اروپا، آمریکا، چین و هند به دست می‌آورد به‌آسانی رها کند و با پیوستن به کشورهایایی که دور چهارم تحریم‌ها علیه ایران را به رسمیت شناختند، تعهد خود را به همکاری با نظام بین‌المللی نشان داد. برزیل برای پیوستن به اعضای دائم شورای امنیت بایستی مشی مستقلی را در نظام بین‌الملل در پیش گیرد اما جهت‌گیری‌هایش نباید چندان از دیگر اعضای شورای امنیت فاصله داشته باشد. این کشور به‌خوبی می‌داند، به‌جز

چین دیگر اعضای این شورا از منتقدان سیاست هسته‌ای ایران به شمار می‌روند. پس باملاحظه این امر با پرونده هسته‌ای ایران بازی می‌کند. برزیل به دنبال چیزی جز افزایش نقش و جایگاهش در نظام بین‌الملل نیست و سیاست خارجی و اقتصادی‌اش با جمهوری اسلامی نیز کاملاً بر این مبنا سازمان‌دهی شده است و خود را پایبند به اصول، قواعد و رژیم‌های حاکم در نظام بین‌الملل نشان می‌دهد. واکنش برزیل به موضوعات حقوق بشری مرتبط با ایران نیز در این راستا قرار می‌گیرد.



منابع

افشاری، معصومه، (۱۳۸۴)، «نگاهی به روابط ایران و برزیل در دوران پهلوی»، فصلنامه تاریخ روابط خارجی، شماره ۲۴ و ۲۵، پاییز و زمستان ۱۳۸۴، صص ۱۹۵-۱۷۲.

اعلمی، هادی، (۱۳۸۹)، پیروزی روسف یعنی شتاب گرفتن چرخ توسعه در برزیل، در [www.khabaronline.ir/news-104865.aspx](http://11/2010www.khabaronline.ir/news-104865.aspx) 11/2010، آقای، داود، (۱۳۷۵)، نقش و جایگاه شورای امنیت سازمان ملل متحد در نظم نوین جهانی، تهران، پیک فرهنگ.

امام‌جمعه زاده، سید جواد، (۱۳۸۷)، «نگاهی متفاوت به اروپا از منظر آمریکا»، فصلنامه سیاست خارجی، سال بیستم، شماره ۲ و ۳.

حاجی‌زاده، مولود، ۱۳۸۹، «خیز بزرگ برزیل برای تجارت با ایران»، در: <http://www.siasatrooz.ir/CNewsRDetail.aspx?QSCNDId=41136>

قهرمان پور، رحمن، (۱۳۸۶)، «سیاست برزیل در دستیابی به فناوری غنی‌سازی و چرخه سوخت»، پژوهشنامه روابط بین‌الملل، شماره ۳، صص ۱۱۲-۸۵.
کاکس، رابرت، (۱۳۸۰)، «رنالیسم نو چشم‌اندازی بر چندجانبه‌گرایی»، مهدی رحمانی، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی، ۱۳۸۰.

کراز، یواکیم، (۱۳۸۳)، «چندجانبه‌گرایی در نگاه اروپاییان» محمد جمشیدی، فصلنامه سیاست خارجی، سال ۱۸، شماره ۲، صص ۷۵-۴۳.

هوشنگ مهدوی، عبدالرضا، (۱۳۵۵)، «تاریخ روابط خارجی ایران»، تهران، انتشارات امیرکبیر، چاپ دوم.

Axelrod, Robert. *The Evolution of Cooperation*. New York: Basic Books, 1984.
Alberto, Luiz & Bandeira, Moniz Brazil as a Regional Power and Its Relations with the United States, in, *Latin American Perspectives*, Vol. 33, No. 3, (May 2006), p.13
Azambuja, Marcos, "The BRIC Club: good things do come in large packages" pp25-46, in

- Maia Rodrigo and Aleluia José Carlos. eds (2010), *BRAZILIAN FOREIGN POLICY Present and Future*, Washington
- Barrinuevo ,Alexi and Thomson, Ginger . *Brazil's Iran Diplomacy Worries U.S. Officials*. available at:
<http://www.nytimes.com/world/americas/15lula.htm/15/5/201>
- Camarena, Rodrigo.2010 *Brazilian Election UpDate: Dilema Advances in the Poll and Foreign Policy Take Center Stage*. available at :
<http://brazil.foreignpolicyblogs.com/2010/08/02/election-update-dilma-advances-in-the-polls-and-foreign-policy-takes-center-stage> 2/8/ 2010
- Da Silva, Luiz Inacio Lula, (2010), available at:
<http://news.bbc.co.uk/2/hi/americas/5346744.stm>
- De Jesus ,Diego Santos Vieira. Alternative Analytical Axes of Brazilian Foreign Policy,in, *International Political Sociology*. Volume 4. Issue 4. December 2010.
- Downie,Andrew. *Brazil's diplomacy on Iran points to larger ambitions*.available at :
<http://freedom syndicate.com/fair0000/latimes0019A.html,22/3/2010>
- Fleischman,Luis. *Brazil's Tilt towards Chavez and Iran*.available at :
<http://www.thecuttingedge news.com/index.php?article=11652,12/9/2009>
- Freidman,Thomas I. *Ugly as It Gets* ,available at:
<http://www.nytimes.com/opinion/friedman.html>
,26/5/2010
- Gill,Nathan. *Brazilian Foreign Policy: 2008*,available at:
www.southernaffairs.org,17/4/2008
- Janiot, Patricia and Munoz, Juan. *President-elect: Brazil will keep Iran ties, remain global player*, available at: http://articles.cnn.com/2010-11-04/world/brazil.rousseff.interview_1_president-luiz-inacio-lula-jose-serra-brazilian-women?_s=PM:WORLD,4/10/2010
- Kampeas,Ron. *Brazil, Argentina Recognize Palestine State, but Why Now?*. available at:
<http://www.jewishexponent.com/article/22489/16/11/2010>
- Magg,Isabele. *Brazil's Foreign Economic Policy:south-south,north-south or both*. available at: library.fes.de/pdffiles/iez/global/50086.pdf,March 2005
- Polanski ,Sandra and de Santoz, Joaquim Beneto. *Brazil in the Global Economy Measuring the Gain's from Trade*.available at: Carnegie endowment.org/files/brazil_global_economy.pdf
- Rabelo,Flavio M. and Vansconcelos, Flavio C. Corporate Governance in Brazil,in, *Journal of Business Ethics*. Vol 37. No 3, Corporate Governance

- Reforms in Developing Countries, May, 2002, , available at :
<http://philpapers.org/rec/RABCGI>
- Raveendran, Manasi. *Why Brazil has engaged with Iran*. available at:
<http://www.campaigniran.org/casmii/index.php?q=node/1028,5/1/2010>
- Rossi, Clóvis. *Brazil, Iran, and the Road to the Security Council*. available at:
<http://www.project-syndicate.org/commentary/rossi2/English,4/11/2009>
- Spektor, Matias. *How to Read Brazil's Stance on Iran*. available at:
http://www.cfr.org/publication/21576/how_to_read_brazils_stance_on_iran.html,4/3/2010
- Van Oudernaren, John. 2004, *Unipolar Versus Unilateral*. available at:
www.hoover.org/publications/policyreview/3438956.htm

